

در صفحه ۱۲ بخوانید...

به جای می‌رسم که بگویم پس خودم چی | نسیم ادبی

شهریه خوابگاه | رضا جمالی

سود معموری تهدید میراث فرهنگی

و...

### تصمیمات غلط در زندگی ما دخیل است

چند روز است به این موضوع فکر می‌کنم که چرا شهر ما یکبارچه نیست و این همه تناقض تضاد چگونه می‌تواند در یک شهر وجود داشته باشد. من در محلی که زندگی می‌کنم این تعریف در باب آن می‌شود...



### تهدید برای احقاق حقوق شهروندی

همین چند وقت پیش، یکی از روزها برای کاری به خیابان انقلاب رفته بودم؛ روز بسیار شلوغی بود. هرچ و مرچی که هر روز ظهر می‌توانید در خیابان انقلاب مشاهده کنید...



## گذری بر مسئولیت اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی

# اشتراک انسانیت

**جمعیت**

Like Comment

### اشاره

## یک حرف و دو حرف

چیزهایی هست که باید بخونم و چیزهایی که منتظرند تا بنویسمشون. باید یادم باشه قبض‌ها به موقع پرداخت بشه و قبل از این که از بانک برای دیرکرد اقساط زنگ بزنم، اونارو واريز کنم. باید حواسم باشه که ماشین چندوقته نیاز به تعمیر داره. باید یادم باشه چندروزه وقت نکرده به مامان سر بزنم. چندوقته برای بابا قرآن نخوندم. باید یادم باشه تا تابستون تموم نشده برم سفر. باید یادم باشه چندتا گل‌دون تازه بخرم. باید یادم باشه... باید یادمون باشه دیدن اونایی که دوستشون داریم دیر نشه.

باید چندتا کار رو پی‌گیری کنم و چندتا تلفن بزنم. متن چندتا نامه رو بنویسم و ایمیل کنم. مصاحبه‌ای رو که دوستی فرستاده بخونم و آماده کنم برای چاپ. باید برنامه‌ها و قرارهای کاریم رو طبق زمانبندی جلو ببرم. باید پسر کلاس و برگردم و سر راه خرید کنم. باید قبل از برگردننش ناهار آماده باشه. باید حواسم باشه که تمرین سنتور شو انجام بده. بهش دیکته بران بگم و وقت داشته باشم برای گوش دادن به حرفاش و جواب دادن به خواسته‌هاش و گاهی هم کل کل کردن.



یک حرف و دو حرف :

باید چندتا کار رو پی‌گیری کنم و چندتا تلفن بزنم. متن چندتا نامه رو بنویسم و ایمیل کنم. مصاحبه‌ای رو که دوستی فرستاده بخونم و آماده کنم برای چاپ. باید برنامه‌ها و قرارهای کاریم رو طبق زمانبندی جلو ببرم. باید پسر کلاس و برگردم و سر راه خرید کنم. باید قبل از برگردننش ناهار آماده باشه. باید حواسم باشه که تمرین سنتور شو انجام بده. بهش دیکته بران بگم و وقت داشته باشم برای گوش دادن به حرفاش و جواب دادن به خواسته‌هاش و گاهی هم کل کل کردن. جبرهایی هست که باید بخونم و چیزهایی که منتظرند تا بنویسمشون. باید یادم باشه قبض‌ها به موقع پرداخت بشه و قبل از اینکه از بانک برای دیرکرد اقساط زنگ بزنم، اونارو واريز کنم. باید حواسم باشه که ماشین چندوقته نیاز به تعمیر داره. باید یادم باشه چندروزه وقت نکرده به مامان سر بزنم. چندوقته برای بابا قرآن نخوندم. باید یادم باشه تا تابستون تموم نشده برم سفر. باید یادم باشه چندتا گل‌دون تازه بخرم. باید یادم باشه... باید یادمون باشه دیدن اونایی که دوستشون داریم دیر نشه.

### گذار

## تفاوت بین احساس خطر و در معرض خطر قرار گرفتن

کدامیک از شهروندان مایلند تا فاضلاب خروچی از منزل خود را جاسی آب دریافت کنند؟ اگر جواب منطقی هیچ‌یک است، لازم است تا منابع فعلی را حفاظت کنیم. باور کنیم که الان زمانی نیست که تقصیر را گردن مسئول و وزیر و معاون وزیر ببندیم. در چنین شرایطی کسی به دنبال مقصر نمی‌گردد و همه را ملکار و راه علاج را خواستارند.

تفاوت بین احساس خطر و در معرض خطر قرار گرفتن نکته ظریفی است. ملموس‌تر مثال می‌زنم. وقتی که بدانید قرار است ماه آینده حقوق دریافت نکنید قطعاً در هزینه‌های جاری زندگی «مدیریت» را سرلوحه کارتان قرار خواهید داد. حتی اگر بچه‌ای به ما احتمال خطر بدهد، خود را موظف به این می‌دانیم که چند درصدی به این هشدار توجه کنیم اما نکته جالب اینجاست که با وجود هزاران هشدار این روزها، برای منابع آب این روزهای شهرهایی در کشورمان و به ویژه تهران، ظاهراً هیچ‌یک از شهروندان این موضوع را جدی نگرفته‌اند.

بارندگی‌های تهران معمولاً از پاییز و با آغاز سال آبی در اول مهر به «احتمال» آغاز می‌شوند. به عبارت دیگر احتمال دارد که بارندگی داشته باشیم و احتمال دارد که بارشی مشاهده نشود. اما از آن بدتر این است که ذخایر آبی برای سال آبی آینده که ۲۱ روز دیگر شروع خواهد شد، تقریباً صفر است. در نتیجه اگر خداوند در چرخه تقدیر خود روزهای بی‌باران را مقدر کند، تهران و شاید شهرهای دیگری بی‌آبی را کاملاً حس کنند.

خودمان را فریب ندهیم. بحث از بحران و مدیریت فراتر رفته. عدم وجود بارش به‌منزله فشار مضاعف بر آب‌های نحیف و شکننده زیرزمینی است که بنابر برخی احتمالات به فاضلاب آلوده است.

... طولانی است؛ اما مهم است که آن را بخوانیم

Today in Iran

#H20

تفاوت بین احساس خطر و در معرض خطر قرارگرفتن نکته ظریفی است. ملموس‌تر مثال می‌زنم. وقتی که بدانید قرار است ماه آینده حقوق دریافت نکنید قطعاً در نتیجه هزینه‌های جاری زندگی...



آنچه مسلم است نقش غیر قابل کتمان شبکه‌های اجتماعی در زندگی بشر امروز است. وقت آن رسیده که به جنبه‌های مثبت این امکان بنگریم و این واقعیت زنده را جدی بگیریم. علی‌رغم آن که گروهی می‌پندارند وجود چنین فضایی بلاشک یک آسیب و ناهنجاری برای اجتماع سالم است. این مجموعه گذری است بر یکی از شبکه‌های اجتماعی که نشان می‌دهد شهروندان با چشمانی بیدار به رصد وقایع اطراف می‌پردازند و به این شکل هر یک از آنها می‌توانند ایجاد کننده موجی باشند در راستای یک اتفاق مثبت در جامعه‌ای که هر روز شاهد ناملايمات فراوانی است. شهروندانی که در غیاب فعالیت نظام‌های اجتماعی احساس مسئولیت کرده‌اند.

دغدغه‌های اخلاقی که در قالب روایت‌های شخصی از محیط‌های مختلف اجتماعی چون اتوبوس، آرایشگاه یا بیمارستان عنوان می‌شود، بی‌شک آنها خبرنگارانی هستند که خوانندگان نایبی دارند و با انتخاب نوع خاصی از زبان و شیوه نگارش به جذابیت نوشته‌هایشان می‌افزایند و فضای برابری برای اظهار نظر افراد مختلف ایجاد می‌کنند. هر یک از این نوشته‌های ساده می‌تواند در ذهن خواننده‌اش حساسیتی را برانگیزاند که او را ترغیب کند که بنویسد و خود را نسبت به محیط اطرافش مسئول بداند.

دیگر نیست و هر چند که مترجم باشم اما زبانم از وصف اهمیت آب عاجز است.

اینها مواردی است که در رسانه‌های شخصی آدم‌های اطراف ما مطرح شده است. تمام تلاش شان ایراز عقیده‌ای است که نیاز به بیانش را در خود احساس می‌کنند. نوعی مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و محیط اطراف که طیف وسیعی از حوزه‌های مختلف را در برمی‌گیرد: حساسیت‌های زیست محیطی، فعالیت‌های ضد جنگ، جمع‌آوری کمک برای افراد نیازمند و حتی

– اتوبوس امروز شلوغ بود. راننده متوجه خانم مسنی که می‌خواست سوار بشه نشد. با همه وجود داد زد: آقای راننده وایسین...  
– سفر خوبی بود ولی نمی‌تونم نگم که تصویر آسغال‌هایی که مردم جا گذاشته بودن آزاردهنده‌ترین چیزی بود که دیدم.  
– دست کوچیکشو گرفتم و گفتم تریجیح می‌دم به جای اینکه از ش گل بخرم ببرمش تو کافه و به شیر کاکائو داغ مهمونش کنم.  
– تنها کاری که می‌توانستم انجام بدم این بود که عکس زاینده رود پسر آب را نشانش بدهم تا بداند که تمام زیبایی سی‌وسه پل بسته به آبی بود که امروز